

## بررسی شخصیت‌های داستان «حوالی کافه شوکا» بر اساس تیپ‌های سه و چهار نظریه‌ی انیاگرام

مریم علیزاده، کامران پاشایی فخری\*، پروانه عادل‌زاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

سال هفدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۶، صص ۷۶-۶۱

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7655>

### نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** از آنجا که شخصیت‌ها بهترین تجلیگاه احساسات و اعتقادات نویسنده هستند و روانشناسی تیپ‌های شخصیتی در شناخت شخصیت‌ها بسیار حائز اهمیت است، پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های تیپ‌های سه و چهار از تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه (انیاگرام)، از تئوری‌های مطرح در زمینه‌ی شخصیت‌شناسی، صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» از یازعلی پورمقدم است.

**روش مطالعه:** در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است.

**یافته‌ها:** بررسی تطبیقی شخصیت‌های مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» بر اساس تیپ‌های سه و چهار شخصیتی انیاگرام نشان می‌دهد نویسنده در این مجموعه داستان به برخی ویژگی‌های اخلاقی و خصوصیات این تیپ‌ها بیشتر پرداخته است. در تیپ شماره سه ویژگی‌هایی مانند روان‌رنجوری، اعتیاد به دروغ‌گویی، سازش‌پذیری (مارتا)؛ خیالبافی، برون‌ریزی و توجه‌طلبی، خودشیفتگی (فالگیر) بیش از سایر ویژگی‌های این تیپ در شخصیت‌ها نمایانگر شده است. شخصیت‌های مارتا و فالگیر را میتوان نماد این ویژگی‌ها دانست. در تیپ شماره چهار نیز ویژگی‌هایی مانند احساساتی بودن، افکار بیمارگونه و نومیدانه داشتن، انتقامجویی و درونگرایی (استلا)؛ افسردگی، خودانزواپی و شدیداً عاطفی بودن (الماس) بیش از سایر ویژگی‌های این تیپ در شخصیت‌ها نمایانگر شده است.

**نتیجه‌گیری:** پورمقدم با هنر خود بین ویژگی‌های شخصیت‌ها و فضای شکلگیری داستان رابطه نزدیکی را به وجود آورده از این لحاظ که با استفاده از ساختن محیطی مناسب با ویژگی‌های فکری توانسته است با چیره‌دستی تمام، افکار آنها را در بافت داستان برجسته کند. در مجموع، بیشتر شخصیت‌های داستان‌ها افرادی تنها، منزوی، افسرده، بیمار، دارای پریشانی‌های ذهنی و تألم روحی - روانی هستند که محیط، عامل محرک بسیاری از اعمال آنهاست. شخصیت‌های داستانی پورمقدم نماینده افکار، عمل، رفتار و گفتار جامعه نویسنده خود هستند؛ افکاری که نشأت گرفته از نسبت او با فرهنگ جنوب و آداب و رسوم جامعه و مردمی است که او با بازتولید گویشها به افشای افکار آنها پرداخته است.

تاریخ دریافت: ۰۱ اردیبهشت ۱۴۰۳  
تاریخ داوری: ۰۲ خرداد ۱۴۰۳  
تاریخ اصلاح: ۱۷ خرداد ۱۴۰۳  
تاریخ پذیرش: ۰۳ مرداد ۱۴۰۳

#### کلمات کلیدی:

شخصیت، شخصیت‌شناسی، نظریه انیاگرام، داستان کوتاه، حوالی کافه شوکا، یازعلی پورمقدم

\* نویسنده مسئول:

[pashaei@iau.ac.ir](mailto:pashaei@iau.ac.ir)

۳۱۹۶۶۰۰۰ (۴۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigation of the characters of the story "Havali Kafe Shuka" based on types three and four of the Enneagram theory

M. Alizadeh, K. Pashaei Fakhri\*, P. Adelzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 20 April 2024

Reviewed: 22 May 2024

Revised: 06 June 2024

Accepted: 24 July 2024

KEYWORDS

personality, personality theory, Enneagram theory, short story, Havali Kafe Shuka, Yar Ali Pourmoghadam

\*Corresponding Author

✉ [pashaei@iaau.ac.ir](mailto:pashaei@iaau.ac.ir)

☎ (+98 41) 31966000

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Since the characters are the best manifestation of the author's feelings and beliefs and the psychology of personality types is very important in knowing the characters, the present research aims to investigate the characteristics of types three and four of the nine personality types (Enneagram), among the theories in the field Characterization has been done. The statistical community of this research is the collection of stories "Havali Kafe Shuka" by Yar Ali Pourmoghadam.

**METHODOLOGY:** In this research, the method of collecting information is library type and descriptive-analytical research method.

**FINDINGS:** A comparative analysis of the characters of the story collection "Havali Kafe Shuka" based on three and four personality types of the Enneagram shows that the author has focused more on some moral characteristics and characteristics of these types in this collection of stories. In type number three, features such as neuroticism, addiction to lying, compromise (Martha); Imagination, extroversion and attention seeking, narcissism (fortune teller) are represented in characters more than other characteristics of this type. The characters of Marta and fortune teller can be seen as symbols of these characteristics. In type number four, there are also characteristics such as being emotional, having morbid and desperate thoughts, revenge and introversion (Stella); Depression, self-isolation and intense emotionality (Almas) have been represented in characters more than other characteristics of this type.

**CONCLUSION:** With his art, Pourmoghadam has created a close relationship between the characteristics of the characters and the atmosphere of the formation of the story, in the sense that by using the appropriate environment with intellectual characteristics, he has been able to highlight their thoughts in the context of the story with complete mastery. In general, most of the characters in the stories are lonely, isolated, depressed, sick people, with mental problems and mental-psychological depression, whose environment is the driving factor for many of their actions. The fictional characters of Pourmoghadam represent the thoughts, actions, behavior and speech of their author's society; The thoughts that originate from his relationship with the culture of the south and the customs of the society and the people that he revealed their thoughts by reproducing the dialects.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7655>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 8	 0	 1

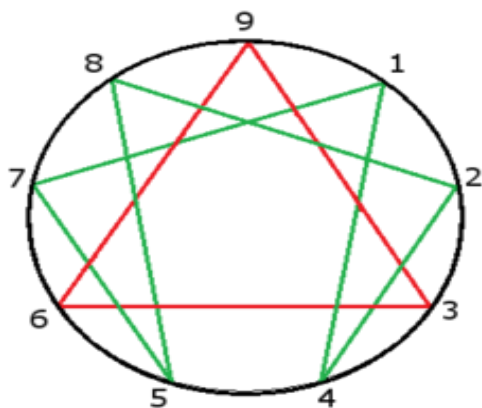
## مقدمه

یکی از گرایش‌های علم روانشناسی، روانشناسی شخصیت<sup>۱</sup> است که ابعاد وجودی انسان را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. دیدگاه روانشناسان به شخصیت با توجه به تعریفی که از آن ارائه می‌دهند متفاوت است؛ اما صرف نظر از دیدگاه‌های متفاوت روانشناسان در مورد شخصیت، توجه به شخصیت افراد و درک صحیح از آن منجر به موفقیت در زندگی اجتماعی و توانایی بهره‌وری از حداکثر قابلیت‌های افراد می‌شود. ترقی جامعه نیز مستلزم شناخت شخصیت افراد، با توجه به تفاوت‌های موجود در شخصیت و تأثیر آن بر عملکرد آنها است. برای شناخت شخصیت افراد، روانشناسان ابعاد مختلف شخصیت را بررسی و آنها را به تیپ‌های شخصیتی متفاوت تقسیم کرده و معتقدند ارائه این تیپ‌بندیها می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و آموزشی مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین شخصیت یکی از عناصر اصلی داستان است و بدون حضور آن در داستان هیچ حادثه و رخدادی برای خلق داستان شکل نمی‌گیرد و خواننده با شناخت شخصیت‌های داستانی می‌تواند با ایدئولوژی، احساسات و جهان‌بینی نویسنده آشنا شود. در این راه شخصیت‌شناسی بر اساس تیپ‌های گوناگون به شناخت شخصیت‌ها کمک بسیاری می‌کند و به این دلیل نویسندگان به بُعد روانشناسی شخصیت‌ها در شخصیت‌پردازی توجه دارند. «همراه با روند تاریخ که شخصیت فرد، تک‌بارگی یا انسان تک و تنها از توده‌های تاریخی بیرون کشیده شد و صاحب اهمیت گردید- که در این دوران هم تصادفی نیست پدید آمدن علم روانشناسی- شخصیت داستانی هم به نسبت سایر سازه‌های داستان، صاحب اهمیت بیشتری گردید» (مندنی‌پور، ۱۳۸۹: ۴۰).

انسانها دارای ویژگی‌های گوناگونی هستند؛ بسیاری از این صفات در یک راستا قرار می‌گیرند و این موضوع به ما این امکان را می‌دهد که بتوانیم افراد دارای ویژگی‌های مشابه را در یک گروه طبقه‌بندی کنیم و درباره تیپ‌های شخصیتی گوناگون بحث کنیم. یکی از جدیدترین نظریه‌های متعددی که از آغاز شکلگیری علم روانشناسی تا کنون به طبقه‌بندی و توصیف تیپ‌های مختلف شخصیتی پرداخته‌اند، نظریه «انیاگرام»<sup>۲</sup> است که در طی چند دهه گذشته توجه بسیاری از پژوهشگران علوم روانی و روانشناسان برجسته را به خود جلب کرده است. مبنای کار در این پژوهش، شناخت شخصیت‌های مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» از یارعلی پورمقدم (۱۳۷۸) بر اساس روانشناسی تیپ‌های سه و چهار از تیپ‌های نه‌گانه شخصیتی انیاگرام است. انیاگرام شکلی هندسی است که نه شخصیت اصلی انسان و روابط پیچیده آن را ترسیم می‌کند. این روش برای خودیابی و خودشناسی مفید و مؤثر است و در واقع افراد را با تمایلات درونی، انگیزه‌های هشیار و ناهشیار، و الگوی احساسی، ادراکی و رفتاری خود آشنا می‌کند. نکته‌ای که در مورد این مکتب حائز اهمیت است، کاربردی بودن آن است؛ چرا که پس از آشنایی با این مکتب می‌توان شخصیت خود را بهتر شناخت و به علل و چرایی رفتارهای خود در موقعیت‌های مختلف بیشتر پی برد. شکل ذیل ارتباط این نه شخصیت را با یکدیگر نشان می‌دهد که به سه مثلث تفکر، غریزه و احساس تفکیک میشوند.

<sup>۱</sup> Personality Psychology

<sup>۲</sup> Enneagram of Personality



### ضرورت و سابقه پژوهش

تعداد پژوهشهایی که در زمینه پردازش شخصیت و روانشناسی انیاگرام در آثار ادبی فارسی صورت گرفته، معدود است که به برخی از آنها اشاره میشود:

مقاله «بررسی شخصیت‌های رمان میرامار بر اساس مکتب انیاگرام»، پورالخاص و سلجوقی (۱۳۹۴) که هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های مثبت و منفی تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه انیاگرام است. تیپ‌های شخصیتی مطرح در این مدل از نظر ارزش‌های اساسی، جهان‌بینی، روابط شخصی، شغلی و رابطه با محیط دارای تفاوت‌های اساسی هستند. مقاله «تیپ‌شناسی شخصیت عروه بن ورد از خلال اشعارش بر اساس نظریه انیاگرام» از افخمی عقدا و جعفری ندوشن (۱۳۹۷) با شیوه توصیفی-تحلیلی بر آن است که بر اساس نظریه انیاگرام تیپ شخصیتی عروه را از خلال اشعارش شناسایی و بازتاب تیپ شخصیتی وی را در اشعارش واکاوی نموده و عوامل مؤثر بر شکلگیری شخصیت عروه را معرفی نماید. برآیند این پژوهش نشان میدهد ویژگی‌های رفتاری عروه با ویژگی‌های تیپ دو (امدادگر) انطباق بیشتری دارد و تیپ شخصیتی او در قالب انسانی مهربان، دلسوز، فداکار، بخشنده و یاری‌دهنده به فقرا و ستمدیدگان نمایانگر میشود. مقاله «تیپ‌شناسی شخصیت قهرمان داستان در مدیر مدرسه آل احمد بر اساس نظریه پیرسون و انیاگرام» از مظفری و شیخ‌الاسلامی (۱۴۰۲) اثر دیگری در این زمینه است که به تیپ‌شناسی قهرمان داستان در رمان مدیر مدرسه از جلال آل احمد میپردازد و برای دستیابی به این امر از نظریه روانشناسی کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار و نظریه انیاگرام استفاده کرده است. نتایج مقاله بیانگر این است که در نظریه کارول. اس. پیرسون و هیو. کی. مار شخصیت راوی داستان نشاندهنده سه کهن‌الگوی یتیم و معصوم، حامی، و جستجوگر است و در تیپ‌شناسی انیاگرام نشاندهنده سه تیپ اصلاح‌طلب و کمالگرا، رئیس و رهبر، و فکور و مشاهده‌گر است که تقریباً در هر دو نظریه این تیپ‌ها مشابه همدیگر هستند. اثر بعدی مقاله‌ای است از غفوری و سام خانیانی (۱۴۰۲) با عنوان «بازخوانی انیاگرامی شخصیت شیرین در منظومه شیرین و خسرو امیرخسرو دهلوی». این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که شخصیت شیرین با کدامیک از تیپ‌های نه‌گانه انیاگرام مطابقت دارد و به این نتیجه میرسد که با تیپ شش تطابق بیشتری دارد.

با توجه به پیشینه تحقیقات در زمینه شخصیت‌شناسی بر اساس نظریه انیاگرام، تا کنون پژوهشی در مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» اثر یارعلی پورمقدم انجام نشده و جستار حاضر در صدد رفع این خلأ پژوهشی است.

## روش مطالعه

این جستار پژوهشی بین‌رشته‌ای بوده که روش انجام آن به شیوه‌ی توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. بدین منظور ابتدا مبانی نظری انیاگرام بر اساس منابع کتابخانه‌ای بدقت شناخته و معرفی شده، سپس با بررسی و تحلیل متن، ویژگی‌های برجسته‌ی شخصیت‌ها در مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» استخراج و تجزیه و تحلیل شده و در پایان این ویژگی‌ها با الگوهای نه‌گانه‌ی انیاگرامی (تیپ سه و چهار) تطبیق داده شده است.

## بحث و بررسی

در این مقاله مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» اثر یارعلی پورمقدم مورد بررسی قرار می‌گیرد. یارعلی پورمقدم متولد ۱۳۳۰ در شهرستان مسجد سلیمان است. او فعالیت ادبی را در دهه‌ی پنجاه با چاپ نمایشنامه «آه اسفندیار مغموم» آغاز کرد. سپس کتابهایی مانند «آینه - مینا - آینه» (۱۳۵۶)، «ای داغم سی رویین‌تن» (۱۳۶۷)، و فیلمنامه «گنه‌های زرد را» (۱۳۶۹)، یادداشت‌های یک اسب (۱۳۸۱)، و تیغ و زنگار (۱۳۸۶) به چاپ رسانید. با این حال پورمقدم با چاپ کتاب «حوالی کافه شوکا» (۱۳۷۸) جایگاه خود را بعنوان نویسنده‌ی صاحب‌سبک تثبیت کرد. نکته‌ی قابل توجه این است که پورمقدم در سال ۱۳۶۰ کافه‌ای با نام «کافه شوکا» در خیابان «گاندی» تهران راه‌اندازی کرد که بتدریج به پاتوق و محفلی برای ادبا، روزنامه‌نگاران و هنرمندان تبدیل شد. او در گفتگویی که در سال ۱۳۹۵ در همین کافه انجام داده است چنین می‌گوید: «پیش آمد و کافه راه انداختم، اما ماندگار شدم. شاید چون رئیس نداشتم و آقابالاسری نبود دوام آوردم. به دلم هم نشست. بعد دیدم مثل اینکه اصلاً این کاره‌ام! هنوز هم مطمئن نیستم، اما شایعاتی شنیدم که می‌گویند فلانی این کاره است. ... من قهوه‌چی‌ام! قهوه‌چی‌ای هستم که چیزهایی «سی دل خودم» مینویسم. از یک جایی که دستم به دهنم رسید، ناشر خودم هم شدم. پخش کتابها هم همینجا در شوکاست» (وبسایت کانون انسان‌شناسی و فرهنگ، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶). وی در اسفندماه ۱۴۰۱ بر اثر سکته قلبی درگذشت.

## معرفی نظریه‌ی انیاگرام

«شخصیت» در اثر روایتی یا نمایشی، فرد، مکان، مفهوم یا چیزی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل او و آنچه می‌گوید و میکند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه‌ی داستان یا نمایشنامه و فیلمنامه تقریباً مثل افراد واقعی جلوه میکند شخصیت‌پردازی می‌خوانند (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۸۵). براهنی در تعریف شخصیت گفته است: «شبه شخصی است تقلیدشده از اجتماع که بینش جهانی نویسنده بدان فردیت و تشخیص بخشیده است» (براهنی، ۱۳۶۲: ۲۴۹). یونسی نیز در این باره می‌گوید «کاراگر عبارت است از مجموعه غرایز و تمایلات و عادات فردی یعنی مجموعه کیفیات مادی و معنوی و اخلاقی که حاصل عمر مشترک طبیعت انسانی و اختصاصات موروثی و طبیعی اکتسابی است و در اعمال، رفتار، گفتار و افکار فرد جلوه میکند و وی را از دیگر افراد متمایز می‌سازد» (یونسی، ۱۳۶۹: ۳۰).

امروزه شخصیت و شخصیت‌پردازی از اهمیت بسزایی در نزد پژوهشگران برخوردار است. شخصیت و شخصیت‌پردازی در هر اثر داستانی یکی از عناصر اصلی و بنیادین است که نمیتوان اثر داستانی را بدون آن تصور کرد؛ چرا که در غیر این صورت هیچگونه حرکت و حیاتی در متن داستانی نبوده و گزارشی خالی خواهد بود و خواننده اصلاً مجذوب آن نخواهد شد (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۲۰۰).

شخصیت افراد مختلف طبق نظریه روانشناسی گورجیوف<sup>۱</sup> به نه دسته یا تیپ تقسیم میشود که از آنها با عنوان تیپهای شخصیتی یاد میشود. این نه تیپ شخصیتی به سه مثلث تفکر، احساس و غریزه تقسیم میشوند. مهم است که هر کدام از این تیپها بطور افراطی آن عنصر تعیین‌کننده را دارند یا بطور تفریطی و یا اینکه خنثی هستند و هیچ تیپ شخصیتی بهتر یا بدتر از تیپهای دیگر نیست. گرجیوف اعتقاد دارد هر کدام از ما انسانها یک تیپ شخصیتی داریم و هر کدام از ما فقط در یک اتاق قرار میگیریم؛ اما به اتاقهای این طرف و آن طرف خودمان هم شباهت داریم، یعنی دو همسایه داریم (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶: ۵۶).

واژه انیاگرام از ترکیب دو واژه یونانی *Εννααε* به معنی نه (عدد ۹) و *γραμμιοσ* به معنی یک چیز نوشته یا رسم‌شده به دست آمده است. اهداف نظریه انیاگرام شناخت بهتر شخصیت خود، شناخت احساسات درونی خود (ترس، خشم، غم، رنجش، احساس گناه و...)، شناخت و درک بهتر دیگران و افزایش توانایی در پیش‌بینی رفتار آنها، روابط مناسبتر با اطرافیان، و ایجاد سازگاری و رضایتمندی بیشتر از زندگی است (همان: ۸۵).

### تیپهای شخصیتی نه‌گانه

در این بخش به معرفی اجمالی هر یک از تیپهای نه‌گانه نظریه انیاگرام پرداخته میشود که هر یک ویژگیها، تمایلات، و عقاید خاص خود را دارند.

تیپ شماره یک: (اصلاح‌طلب و کمالگرا) (The Reformer)، این افراد اخلاقی، آرمانگرا، منطقی، دوراندیش، خردمند و مهربان هستند.

تیپ شماره دو: (امدادگر) (The Helper) در این تیپ افراد مهربان، مهرطلب، سلطه‌گرا، فکور، بخشنده، مراقب و همدل هستند.

تیپ شماره سه: (موفق و موفقیت‌طلب) (The Achiever) افراد این تیپ موفقیت‌گرا، ممتاز، خودآگاه، مصلح، جاهطلب، سیاستمدار، جذاب و تأثیرگذارند.

تیپ شماره چهار: (فردگرا) (The Individualist)، این افراد گوشه‌گیر، دمدمی‌مزاج، خیالپرداز، هنردوست، ساکت، درونگرا، پرشور و احساساتی هستند.

تیپ شماره پنج: (پژوهشگر) (The Investigator)، جدی و زیرک بودن، جستجوگری، تمرکزگرایی، مشاهده‌گری،

ژرفاندیشی و واقع‌بینی از ویژگیهای تیپ پنج به شمار میرود.

تیپ شماره شش: (وفاخو و وفاجو) (The Loyalist)، این افراد سختکوش، استوار، تیزبین، راست‌پندار، وظیفه‌شناس، شکاک، آزادخواه و محافظه‌کارند.

تیپ شماره هفت: (خوشگذران) (The Enthusiast)، این اشخاص مشتاق، خودانگیخته، بیتاب، تنوعطلب، تحریک‌پذیر، چابک و تغییر‌پذیر هستند.

<sup>۱</sup> Georg Gurdjieff

تیپ شماره هشت: (حاکم و کنترل‌گر) (The Challenger)، اقتدار، خودرایی، قدرتمند بودن، مبارزه‌طلبی و کاردانی از ویژگی‌های تیپ هشت است.

تیپ شماره نه: (صلح‌طلب و میان‌گرا) (The Peace-maker)، این افراد صبور، ثابت‌قدم، آرام، منفعل، راحت‌طلب، آرامبخش،

قانع، خوشگذران و آرمانخواه هستند (ر.ک: ریسو، ۱۳۹۲: ۶۷-۱۵۶).

در ادامه به معرفی کاملتر دو تیپ شخصیتی سه و چهار مکتب انیاگرام پرداخته میشود که جزو تیپ‌های شخصیتی پرکاربرد در مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» هستند.

**تیپ شماره سه: (موفق و موفقیت‌طلب):** این افراد دارای روابط عمومی عالی، امتیازگیرنده قوی، مقایسه‌گر، افراطی در مدیریت، استرس‌زا، با وفاداری کم، و شهرت‌طلب هستند. این افراد اعتقاد دارند شما باید کاری انجام دهید و موفق شوید تا دو ست داشته شوید؛ بنابراین آنان پرتلاش، سریع، کارآمد و هدفگرا هستند؛ همچنین ممکن است تصویرمحور (بصری)، ناشکیبا و نسبت به احساسات بی‌اعتنا باشند. این افراد از خود مطمئن هستند، جذاب و دلریا، جاه‌طلب، شایسته، و پرنرزی هستند و میتوانند هو شیار و بسیار خودمحور در جهت پی‌شرف با شوند. آنان سیاستمدار و آماده به خدمت هستند، اما بیش از حد علاقه‌مند به تصویر خودشان و آنچه دیگران درباره آنان فکر میکنند، میباشند. مشکل آنان معمولاً مسائلی چون اعتیاد به کار و رقابت با دیگران است. این افراد در حالت سالم تیپ شخصیتی خود میتوانند به موفقیت‌های بزرگی برسند و چیزهای مهمی را به دست آورند. آنان بقدری موفق هستند که ستاره میشوند و بخاطر دستاوردهای شخصی خود همیشه مورد توجه دیگران قرار میگیرند. سه‌های سالم میدانند که پیشرفت شخصی چه احساس خوبی دارد و از اینکه به دیگران در پیشرفت و موفقیت انگیزه بدهند، لذت میبرند» (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

**تیپ شماره چهار (فردگرا):** این افراد درونگرا، علاقه‌مند به عشق و احساسات، خلاق، هنردوست، هنرمند، توانا در کاهش دردهای دیگران، دارای توجه زیاد به همدردی و احساس عدم درک شدن توسط دیگران هستند. فردگراها اعتقاد دارند میتوان عشق گمشده یا فرصت از دست‌رفته را با پیدا کردن عشق و موقعیتی بهیمنانه، ویژه و عملی دوباره به دست آورد؛ بنابراین بسیار آرمانگرا، احساساتی، همدل و قابل اعتماد هستند؛ همچنین ممکن است آنان دراماتیک، دمدمی‌مزاج، اخمو و درخودفرورفته باشند. این افراد ممکن است بدلیل احساس آسیب‌پذیر یا ناقص بودن، از برقراری ارتباط با دیگران دوری کنند. همچنین ممکن است احساس کنند متکبر هستند و از روش‌های معمولی زندگی، معافند. این افراد درونگراترین تیپ هستند و به این دلیل به آنان فردگرا میگویند؛ چراکه هویت خود را در داشتن تفاوت بنیادی با دیگران جستجو میکنند. چهارها بیشتر از تیپ‌های دیگر به تفاوت‌های شخصی و کمبودهای خود توجه داشته و بشدت به آن آگاهی دارند. چهارهای سالم با خود صادق هستند. آنان به همه احساسات خود اشراف داشته و میتوانند انگیزه‌ها، تناقضات و تضادهای عاطفی خود را بدون انکار و سرپوش گذاشتن ببینند» (همان: ۱۵۱).

از ترکیب ویژگی‌های شخصیت نوع چهارم و سوم، شخصیتی جانبی حاصل میشود که از نظر هیجانی هم دمدمی‌مزاج است و هم متناقض. «هرچند ویژگی‌های مربوط به نوع چهارم و سوم ظاهراً عکس یکدیگر به نظر می‌آیند، وجوه مشترک فراوانی با یکدیگر دارند و چنانچه درست به کار روند میتوانند بخش عمده‌ای از نقاط ضعف فردی دارندگان آن را خنثی کنند. افراد نوع چهار غالباً درونگرا، منزوی و خودمجدوبند؛ در صورتی که افراد نوع سوم بیشتر برونگرا، معاشرتی و هدفمدار هستند. نگرانی افراد نوع چهارم از بابت به معرض نمایش قرار دادن

خود، با تمایل افراد نوع سوم برای خود را نشان دادن و رقابت کردن در تضاد است. اشتغال ذهنی مفرط و درون‌نگرایانهٔ افراد نوع چهارم نیز با دلنشینی و مهارت‌های معاشرتی و برون‌نگرایانهٔ افراد نوع سوم متضاد است؛ لیکن با وجود تضادی که در ویژگی‌های دارندگان این دو نوع شخصیت مشهود است، هر دو نگران تصویر ذهنی و عزت نفس خود هستند. تصویر ذهنی افراد نوع چهارم عمدتاً جنبهٔ خصوصی دارد؛ به این معنی که آنها تصویر ذهنی از خودشان را از طریق تخیلات و احساسات خود به دست می‌آورند؛ در صورتی که تصویر ذهنی افراد نوع سوم بیشتر جنبهٔ اجتماعی دارد و آنها سعی می‌کنند دیگران واقعیت آن را در سایهٔ عملکردشان مورد تأیید قرار دهند» (ریسو و هادسون، ۱۳۹۵: ۱۸۷).

### خلاصهٔ داستان‌های مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا»

«حوالی کافه شوکا» مجموعه‌ای است از شش داستان کوتاه که در نخستین آن «یادداشتهای یک قهوه‌چی» تصویری از پیشهٔ قهوه‌چی با همهٔ مرارت‌های آن - به گونهٔ نمادین - به دست داده شده است. داستان دوم یعنی «استلا» دربارهٔ جنایتی است که استلا (کافه‌چی) به کمک پاتیل (همسر فعلی مارتا) بر سر کینه‌ای که سر مرگ لئون (برادرش) از مارتا (زن برادرش) داشت، مرتکب میشود. موضوع داستان «الماس» دربارهٔ قرار ملاقاتی است که «حکایت» (زن داستان) و «الماس» (مرد داستان)، شوهر سابق او، در کافه شوکا داشتند. الماس هنوز هم به حکایت مثل گذشته علاقه‌مند است ولی حکایت با دوست مشترکشان «سلمان» ازدواج کرده و سه‌ماهه باردار است. شخصیت‌های داستان «شبهای مسکو» استلا، لئون، مارتا، و روبرت هستند و داستان بر سر کابوسها و ترس‌هایی است که مارتا بعد از مرگ لئون میبیند و درگیریهایی که با استلا دارد. در داستان «فالگیر» دو شخصیت کافه‌چی و فالگیر وجود دارند و موضوع بر سر اعتراض‌هایی است که فالگیر بر حقوق شهروندی و شغلی خود دارد و خواهان پذیرش خود از سمت مخاطبان با همان ظاهر و سر و وضع نابسامان است. در داستان «خال‌باز» راوی داستان شخصیتی به نام طاقباز است که وارد کافه میشود و بوی تعفن میدهد. استلا که کافه‌چی کک‌مکی است تلفن را برمی‌دارد که به پلیس خبر دهد و در ادامه طاقباز سؤالاتی از او می‌پرسد.

پورمقدم با هنر خود بین ویژگی‌های شخصیت‌ها و فضای شکلگیری داستان رابطهٔ نزدیکی را به وجود آورده از این لحاظ که با استفاده از ساختن محیطی مناسب با ویژگی‌های فکری توانسته است با چیره‌دستی تمام، افکار آنها را در بافت داستان برجسته کند. در مجموع، بیشتر شخصیت‌های داستان‌ها افرادی تنها، منزوی، افسرده، بیمار، دارای پریشانی‌های ذهنی و تألم روحی - روانی هستند که محیط، عامل محرک بسیاری از اعمال آنهاست. شخصیت‌های داستانی پورمقدم نمایندهٔ افکار، عمل، رفتار و گفتار جامعهٔ نویسندهٔ خود هستند؛ افکاری که نشأت گرفته از نسبت او با فرهنگ جنوب و آداب و رسوم جامعه و مردمی است که او با بازتولید گویشها به افشای افکار آنها پرداخته است. محیط داستان‌های پورمقدم کافه شوکا است. در واقع کافه شوکا مکانی برای ثبت حضور آدم‌هایی است که در زندگی ماب ازایی بیرونی دارند. اکثر اشخاصی که او خلق میکند در بستری قرار دارند که هم رفتار درونیشان با خود و هم رفتارشان با محیط پیرامون ایجاد چالشی میکند که خواه ناخواه بسمت فضایی دراماتیک سوق پیدا میکند. به این اعتبار شیوهٔ شخصیت‌پردازی در داستان‌های پورمقدم غیرمستقیم است. بیشتر داستان‌های پورمقدم پیش‌درآمد داستان بعدی هستند؛ مانند داستان «استلا» که پیش‌درآمد داستان «شبهای مسکو» میباشد. شخصیت‌ها در دو داستان یکی است و فقط جای راوی داستان‌ها عوض میشود و داستان‌ها از نظر فضا، زبان و روایت



پیوستگی دارند. زبان متن دارای فصاحت، زیبایی ادبی، خوش‌ساخت و تکنیکی است. نثر موسیقی‌وار و پرطمطراق است و زبان عنصر شاخص متن است و متن روایی ریتمی تند دارد.

### بررسی تیپ‌های سه و چهار در مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا»

#### تیپ شماره سه: موفق و موفقیت‌طلب

در اینجا به تشریح نمونه‌هایی از مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» که منطبق با نقاط مثبت و منفی تیپ شماره سه انیاگرام است پرداخته می‌شود. ویژگی‌های تیپ شماره سه در شخصیت‌های این داستان به شرح ذیل است:

الف) دارای اختلال شخصیتی، روان‌رنجور، و معتاد به دروغ‌گویی: شخصیت «مارتا» که یکی از شخصیت‌های اصلی داستان «استلا» است دارای تیپ شخصیتی برون‌گرا و اجتماعی است و یکی از نقاط ضعف این شخصیت روان‌رنجوری و گرایش به دروغ‌گویی است. این شخصیت به جهت اینکه در جلب توجه دیگران وسواس شدید دارد، حتی در مسائل پیش‌پافتاده هم نمیتواند از دروغ گفتن دست بردارد و در حالی که عمیقاً آسیب دیده، نگران است که علاوه بر خلافت‌کاری‌هایش، غیرواقعی و تهی بودنش هم آشکار شود: «کور بشم آگه بخوام دروغ بگم: وارطان اول برلیان را کشید بیرون، گذاشت جیبش و بعد که انگشتر نامزدیشو بسختی تونست از انگشتم دربیاره، گرفت طرف استلا و استلا هم با دک و پوز ... انگشتشو پس نکشید تا اولین چیزی که به ذهن میرسه این باشه که ... بغل همه میخوابه. پس بستری که ترمینال نشه یه صومعه متروکه است که سزاوار آتیشه که از نوک انگشتهای پام شروع شد تا وقتی به قوزک میرسه...» (پورمقدم، ۱۳۸۳: ۶۱). و در واقع او خیانت خود را بدین وسیله توجیه میکند. از آنجا که برای افراد روان‌رنجور، محکوم شدن و رسوایی در نظر دیگران اهمیتی ندارد، شخصیت مارتا برای جلب توجه کردن، رسوایی را ترجیح میدهد.

ب) تصورات اغراق‌آمیز: شخصیت فالگیر در داستان «فالگیر» یکی از شخصیت‌های اصلی است که دارای تیپ شخصیتی سه انیاگرام است و شخصیتی برون‌ریز، بازیگر و در عین حال دارای برخی خصوصیات مثبت تیپ شخصیتی چهار است. تجربه‌های شکست و بدبختی‌های بی‌دری می‌سازد و سرخوردگی فالگیر شده است؛ بنابراین از واقعیت‌های مربوط به مشکلات خود اجتناب کرده و وقت خود را صرف افکار و خیالپردازی‌های آرزومندانه و موفقیت‌های بزرگ در آینده میکند: «در سرتاسر آسمان این فنجان، انگار که ابرها آتش گرفته باشند، شعله‌هایی از لابلای دود زباله میکشد تا از باد در بدر یک هیمه‌بیار معرکه بسازد ولی آواره اگر می‌رود برای آن است که دیگر بازنگردد و اینجا مثل وقتی که مسیح وارد اورشلیم شد، سوار بر الاغ یتیمی با پاهای لاغر و گردن دراز به بازاری وارد و به دل‌کی با ریش تاتاری مینگرد...» (همان: ۳۵).

ج) خودشیفتگی و فخرفروشی: شخصیت «قهوه‌چی» با توجه به عمق آسیب ناشی از خودشیفتگی، که از خصوصیات منفی تیپ سه انیاگرام است، انتظارات بزرگ‌منشانه‌ای در خود ایجاد میکند و این آسیب ناشی از خودشیفتگی بطور معمول خودش را به صورت برتر از دیگران بودن یا فخرفروشی نشان میدهد: «مع‌الو صف از گوشه کنار می‌شنوم که یکی از مشتریانم که خانم جافتاده‌ای است و اگر همیشه خدا بوی سیر میدهد، بدیهی است که به دلایل پزشکی هر جا مینشیند تا این‌جا نیندازد ول نمیکند که فلانی اول گوش مشتری را با لفظ پرطمطراق کرخ میکند تا بعد آن را بیخ تا بیخ بسمل کند» (همان: ۳۴). شیوه سخن گفتن فالگیر سریع و بی‌پرواست. او انتقاد و قضاوت دیگران را نسبت به خود نمی‌پذیرد و دوست دارد از او و کارهایش قدردانی شود؛ چرا که تأیید شدن توسط دیگران و متمایز کردن خود از آنها از انگیزه‌های کلیدی تیپ شخصیتی موفقیت‌طلب است.

د) رقابت و هدایت خویشتن: فالگیر در داستان «فالگیر» یکی از شخصیت‌های اصلی داستان است و دارای نقاط منفی شخصیتی از تیپ شخصیتی سه انیاگرام است. او به نوعی بیمارگونه برای توجه‌طلبی چنان به استیصال میرسد که برای پوشاندن او ضاع و خیم خود به هر داستان و ترفندی متوسل می‌شود. او نمی‌خواهد کس دیگری بداند که چقدر مشکل دارد و مایل است برای پنهان ساختن مشکلات عاطفی و خلاق‌ریهای خود دست به هر کاری بزند: «در گرماگرم فال لحظه‌ای فراموش نکنید که وجهه ما در لوحه کدبندی جرایم آویخته در کلانتریها، همکلاس با شیادان و اخاذان است. البته استیناف به این حکم پر بیربط نیست؛ زیرا همدردی ما با کلاهبرداران تنها نمودار عدم آگاهی قانونگذار با روح طبقه‌بندی مشاغل است و گرنه یگانه صنفی که شرح وظایفش با حرفه فالبینی سنخیت دارد، طراحان مُدند» (همان: ۳۳). شخصیت فالگیر دارای تیپ شخصیتی موفقیت‌طلب است و بیشتر در حالت نا سالم این تیپ قرار دارد؛ بنابراین از شکست خوردن و تحقیر شدن میترسد؛ به موفقیت‌های دیگران طمع می‌ورزد و هر کاری انجام می‌دهد که توهم برتری خود را حفظ کند.

در جای دیگر از این داستان شخصیت «کافه‌چی» را می‌بینید که برای موفقیت وارد رقابت‌های گوناگونی شده است نه به این دلیل که واقعاً می‌خواهد کاری انجام دهد، بلکه به این دلیل که از تحت شعاع دیگران قرار گرفتن ترس دارد.

ه) سازش‌پذیر قابل تحسین: شخصیت مارتا در داستان «شبهای مسکو» نقش اصلی را در داستان دارد و نقاط قوت افراد این تیپ شخصیتی، سازش‌پذیر بودن است. او در این سطح خود را با آنچه نزد دیگران ارزش تلقی می‌شود وفق می‌دهد. در این متن می‌بینید که برادرش «روبرت» گرفتار اعتیاد است ولی مارتا چون شخصیتی سازش‌پذیر دارد او را با آن خصوصیات پذیرفته است: «روبرت بعد از چند روز که مثلاً رفته بود ترک کنه، مثل از گور دررفته‌ها، در حالی که غشائی به رنگ کپک صورتشو پوشونده بود، برگشت خونه و لششو انداخت روی کانابه و سر فحش را کشید به زمین و زمان و من واسه اینکه تمومش کنم هرچه دنبال به نقل مشترک گشتم پیدا نکردم و خود همین برای اینکه آتیششو تندتر کنه چیز خوبی بود» (همان: ۵۷).

### تیپ شماره چهار؛ فردگرا

الف) احساساتی: تیپ چهار شخصیتی انیاگرام بسیار رمانتیک و احساسی است و در نگاه او عشق پرنگتر از سایر مسائل است که در اینجا بوضوح توسط شخصیت استلا بیان می‌شود: «ولی عشق اول همیشه عشق اوله، حتی اگه ... خیانت از همون ماه غسل شروع بشه، باز به عشق لئون، به بستر یک مخنث تن میدیم تا شبخوابی در بستر دیگران» (همان: ۴۹).

ب) افکار بیمارگونه و نومیدانه: در داستان «استلا»، استلا راوی داستان، خواهر لئون، خواهرشوهر سابق مارتا، و شخصیت اصلی داستان است. استلا بخاطر تخم‌فتنه‌ای که مارتا سر مرگ لئون کاشته، به فکر انتقام از مارتا است. او بطور افراطی بدنبال خیالپردازیهای بیش‌میرود و تلاش می‌کند از طریق رفتارهای خودتخریبگر راه نجاتی پیدا کند و در افکار خود مرتکب جنایت می‌شود. افکار بیمارگونه، یأس و ناامیدی که یکی از مشخصه‌های منفی افراد با تیپ شخصیتی چهار انیاگرام است، در شخصیت استلا دیده می‌شود و او مدام با یادآوری خاطرات و افسردگی که بر او غلبه کرده است نقشه قتل را به کمک پاتیل (شوهر فعلی مارتا) میکشد: «از خدا که پنهون نیست لئون! از تو چه پنهون، اونیه که بالأخره با یه کارد دسته کائوچو شکم مارتا را سفره کرد تا با قلوه‌کن کردن دلش به این وقفه یکساله فیصله بدهد...» (همان: ۴۷).

و جملاتی که نشان‌دهنده حس ناامیدی و کینه شخصیت استلا است: «وقتی حافظ شیراز هم لنگه فالگیر تفرشه، فقط بلده با سیر در سعد و نحس کواکب، دل آدمو سیاه کنه توی سرمه‌دون ساحره‌ای به اسم مارتا که با یک لکه ماتیک روی دندون پیشین، آنقدر زیر دست مشاطه میشینه تا شرم شکل یه شره عرق از سرایشب گونه کرم‌پودرزده‌اش، عین بغضی قل بخوره...» (همان: ۴۸). یا «... نمه کف دستت را طوری بخارونی که انگار هنوز دستگیرت نشده کسی که دستش از ریسمون بریده، تهیدستتر از اینه که گره کور بزنه. وقتی دنیا تنور سردیه که لونه مار کری شده که نوای افسونگرشو نمیشنوه. چون - خیلی ببخش لئون!- گاو اگر بخواد خر بشه باید جای ماغ، عرعر کنه تا صاحب الیگودرزیش بفهمه...» (همان: ۵۰). بیشتر تصمیمات استلا بر اساس حال و هوای خود است نه بر اساس واقعیات؛ زیرا دچار افسردگی است، مرتب خود را سرزنش و تحقیر میکند و از خود متنفر است؛ افکار بیمارگونه او را عذاب میدهد و دیگران را مقصر افکارش میداند.

زبان داستان «شبه‌های مسکو» ذهنی - کابوسی است و فضای داستان توهمزا و رفتارها غیرمعارف است و بازتاب کابوسها در هاله‌ای از حرفها و حرکات پنهان است. راوی داستان درگیر اشخاصی است که اکنون در قید حیات نیستند و در این گیرودار دچار ترسها و کابوسهایی میشود: «ملت- کیپ تا کیپ- گرد یک اعدامی که سرش به قلاب آویزون بود حلقه زده بودند و طناب که تاب داشت محکوم رو که حالا پشت به من و رو به جنوب بود به آرامی و حول جهت مثلثاتی میچرخوند و من که از بیم پی چاره میگشتم، وقتی از لابلای ازدحام لئون را دیدم که با یک دسته نرگس داره دل جماعت را میشکافه، انگار که دنیا را بهم داده باشند دویدم طرفش و مثل تاکی که به چناری میپیچه، سرمو گذاشتم روی شونه‌اش و چشمامو بستم تا از بوی تو و اون ادکلن شبه‌های مسکوت ریه‌هامو پر کنم» (همان: ۶۲). داستان «شبه‌های مسکو» به نوعی ادامه داستان «استلا» است. پیچیدگی رفتاری هم در این دو داستان بیشتر است و با همان شخصیتها فقط جای روابها عوض شده است و از نظر روایی و حالات درونی قابل تأویلند و عواطف سرکوب‌شده دارند. در واقع شخصیتها بین بدبینی و خوش‌بینی، سیاهی و سفیدی، تاریکی و روشنایی و مرگ و زندگی دست و پا میزنند.

ج) خودافشاگری و انتقامخواهی: یکی دیگر از خصوصیات منفی تیپ چهار شخصیتی انیاگرام خودافشاگری و انتقامخواهی است و شخصیت استلا دارای خصوصیات منفی این تیپ شخصیتی است. او انگاره خویش را از طریق ابراز فردیت و عمل خلاقانه تقویت میکند و زبانی بلیغ دارد، نکته‌سنجی میکند و احساسات خود و تأثیرات آن را مورد بررسی قرار میدهد و به شیوه‌ای خلاقانه بدنبال کینه‌توزی و انتقامخواهی از مارتا است:

«کمتر ملکه‌ای میتونه از چنگ کینه این ندیمه جون به در بره. با وجود اینکه لئون! ... میزان تعلقمون به این و اون بسته به اینه که در جرم تا کجا با ما همدستند» (همان: ۴۹). استلا در پی توجیه جرمی است که انجام داده است و بدنبال راهی میگردد که ماریا را مقصر صددرصد این جرم بداند؛ زیرا از نظر تیپ شخصیتیش، وقتی افکاری عذابش میدهد بدنبال منبع عذاب میگردد و دیگران را مقصر میداند. اگر کسی هم قصد کمک به او را داشته باشد، از خود دورش میکند.

در قسمت دیگری از داستان نویسنده بیشتر حس انتقام شخصیت استلا نسبت به مارتا را نشان میدهد: «انگار دفعه اوله که یه کافه‌چی کک‌مکی به اسم استلا را میبینه که آنقدر دل باخت را داره که به توقعاتش پشت کنه و واسه وراطانی مایه بذاره که تنها آدمفروشیه که لیاقت داره تا در راهی که چارراه عزیزخان را به میخونه‌ای در آمستردام وصل میکنه، بیست هزار دلار پر شالش باشه، اون هم... اون هم حالا نبضی که به نیت کینه میتپد...» (همان: ۴۹).

در بخشی دیگر مشاهده میکنیم که شخصیت استلا سعی دارد به نوعی زیرکانه و با نفوذ زبانش عمل قتل را توجیه کند که اگر مارتا آن روز قرص نیتروگلیسرین را پیدا میکرد و به لئون میداد، امروز منجر به انتقامخواهی او از مارتا نمیشد: «و آنقدر محو ... بشه که با اولین علائم قلبی که روی کاناپه انداختت، مثلاً قرصهای نیتروگلسرینت را پیدا نکنه و تا وقتی که دستت توی دستش سرد نشد، نکرد اورژانس خبر کنه که تا امروز حق فتنه‌ای را کف دستش بذاره...» (همان: ۴۹). استلا از مارتا بخاطر ندادن قرص نیتروگلسرین به برادرش حین علائم قلبی کینه دارد و این انتقام را میخواهد با دستهای پاتیل، که الان شوهر مارتا است، بگیرد. او تمام پس‌انداز یکساله‌اش را برای این جنایت کنار گذاشته است.

د) خودانزوایی و افسردگی: شخصیت الماس یکی از شخصیت‌های اصلی در داستان «الماس» از مجموعه داستان حوالی کافه شوکا است. او دارای تیپ شخصیتی چهار انیگرام است و یکی از نقاط منفی این شخصیت خودانزوایی و افسردگی است و شخصیت الماس در منحصربفرد کردن خیالپردازیهای خود چنان مستأصل میشود که از هر چیزی مربوط به خودش که نمیتواند با آن سازگار شود متنفر میشود. حتی ممکن است دست به تخریب تمام چیزهای خوبی که در زندگی دارد بزند. در متن داستان مشاهده میشود که شخصیت الماس بخاطر از دست دادن «حکایت»، همسرش، بدنبال خیالپردازی است و در نتیجه دچار افسردگی شده است: «فنجانش را برمیدارد تا دوباره کنار پیشخوان بازگردد ولی هنوز چند قدمی برداشته است که به زمین میفتد و به تشنج مصروعان دچار میشود و کف به لب به ریشه میفتد» (همان: ۲۳). وقتی رؤیاهای الماس در رابطه عاطفی با حکایت (همسر سابقش) محقق نمیشود، دچار خودخوری میشود و در نتیجه تشنج او عود میکند. از آنجا که او از لحاظ تیپ‌شناسی در حالت ناسالم تیپ رمانتیک قرار دارد، ترس از معیوب بودن و خیالبافی منفی باعث میشود خود واقعی خود را نادیده بگیرد و عواطف بر او مسلط شوند. شخصیت الماس درباره خود و احساساتش زیاد حرف میزند و تمرکز او روی خودش است؛ زیرا او بعنوان یک شخصیت تیپ احساسی زندگی بشدت عاطفی دارد که منجر به بالا و پایینهای احساسی شدیدی در او میشود؛ اما به این دلیل که میخواهد هویتی پایدار و قابل اتکا بر مبنای عواطف خود بسازد، کوشش میکند احساسات مشخصی را پرورش دهد و بقیه را نادیده بگیرد.

قهوه‌چی نیز در داستان «یادداشتهای یک قهوه‌چی» شخصیتی منزوی و تنها دارد: «آنان که از زور تنهایی به جمع میزنند اگر در میان ازدحام باز دلواپس تنهایی خود شوند، بهتر است که روی چهارپایه آخر، گوشتهای اضافی اطراف ناخنهایشان را به نیش بکشند» (همان: ۱۳).

ه) درونگرایی: شخصیت استلا در داستان استلا و شخصیت الماس در داستان الماس هر دو جزو شخصیت‌های اصلی داستان و دارای تیپ شخصیتی چهار انیگرام هستند که خصوصیت درونگرایی دارند. آنها در این سطح روی احساسات و عملکرد خویش نسبت به تثبیت حسی روشن از هویت فردی خود تمرکز دارند. تصور آنها از خودشان این است: «من حساس، متفاوت و خودآگاه هستم». در داستان استلا، شخصیت استلا با خودش درگیر است و در برابر قساوتی که انجام داده انتظار مرگ دارد. او از رفتار و اعمال خود در تعجب است که چگونه یک انسان آرام تحت شرایط تبدیل به یک انسان وحشی و خشن میشود: «... و پاییز -آخ آخ لئون!- آدم چطور میتونه مثل تمساح اشکش دم مشکش نباشه وقتی باد آذر که به برگهای زرد سرشاخه‌های توت خانم دکتر میوزه- عین زخمی که تیر بکشه- منو یاد سال پیش همین مجال میندازه که دست پوشیده از شبکه رگت - توی دستم - سرما از سر انگشتانت شروع شد و من که در برابر عرش و کرسی و لوح و دوزخ تنها به وجدانم پاسخ میدهم، حتم داشتم از این قساوت میمیرم ولی نمردم...» (همان: ۴۸).

در داستان الماس، نویسنده شخصیت الماس را شخصیتی فلسفی، اندوهگین و نیازمند به روانپزشک نشان می‌دهد: «الماس: میتونم یک قهوه سیاه و غلیظ سفارش کنم؟ ملکه: ولی اینکه دیگه اسمش قهوه نیست، شوکرانه. الماس: خب شاید من بتونم جای خالی سقراط را پرکنم. ملکه: معمولاً کسی که قهوه‌اش را با شیر میخورد اعصاب راحتی داره و اونی که مثل تو سیاه و غلیظ سفارش می‌ده، بطلمیوس هم که باشه، بهتره یه سر به روانپزشک بزنه» (همان: ۲۱-۲۰). الماس دارای تیپ شخصیتی محزون و رمانتیک است. در حالت سالم این تیپ، او دچار درونگرایی است؛ احساسات و انگیزه‌های درونی خود را بخوبی می‌شناسد؛ فردگرا است اما براحتی درباره‌ی خودش حرف می‌زند؛ نگاهی طعنه‌آمیز به خود و زندگی دارد؛ او قدرت این را دارد که در کنار جدی بودن، شوخ‌طبع نیز باشد و علاوه بر آسیب‌پذیر بودن، از نظر عاطفی قوی باشد.

و) فردگرا و شدیداً عاطفی: شخصیت الماس در داستان الماس دارای تیپ شخصیتی چهار انیاگرام است و یکی از ویژگی‌های این تیپ، عاطفی بودن و فردگرایی است. شخصیت الماس بدلیل تصویرسازی ذهنی از واکنش دیگران به جای اینکه بررسی کند تا ببیند واقعاً چه تفکری دارند، اغلب گرفتار مقایسه‌های منفی و احساسات منفی میشود. سرانجام حسادت باعث میشود او از خود مأیوس شود و این سرخوردگی را به دیگران فراقکنی کند. در اینجا به نوعی عاطفی بودن شخصیت الماس، تصویرسازی منفی، سرخوردگی و حس حسادت او را نسبت به زن و عشق سابقش نشان مشاهده می‌کنیم: «الماس: قبل از امضای دفتر طلاق نگاهتو دزدیدی تا بغض منو نبینی بی‌انصاف! حکایت: مگه ما هنوز همدیگر را نبخشیدیم؟ الماس: بخششی که فراموش نشه فرقتش با نبخشیدن چیه؟ حکایت: کاتماندو فراموشخانه خوبی نبود؟ الماس: اون حلقه چیه دستت؟...» (همان: ۲۶) یا «حکایت: آشنا یا غریبه مگه واسه تو فرقی داره؟ الماس: اشکال آشنا اینه که میتونه یه زخم کهنه رو تازه کنه. حکایت: منظورت چیه؟ الماس: اگر حدسم درست باشه و تو با سلمان ازدواج کرده باشی... حکایت: درسته درسته...» (همان: ۲۸). تصویرسازیهای منفی الماس نسبت به حکایت در دوران زندگی مشترک، او را دچار شک کرده است: «حکایت: اگه فکر میکنی که در طول زندگی مشترک بهت خیانت میکرده‌ام خیلی احمقی. الماس: انتظار داری این حرفتو باورکنم؟ حکایت: اگه یک ذره شک کنی اون وقت منو به این یقین میرسونی که پاکدامنی کار چرکيه...» (همان: ۲۸-۲۹).

ز) روی آوردن به اعتیاد بدلیل اضطراب اجتماعی: شخصیت روبرت در داستان «شبه‌های مسکو» یکی از شخصیت‌های فرعی داستان است. او برادر مارتا است و دارای تیپ شخصیتی چهار انیاگرام است. روبرت دارای خصوصیات منفی این تیپ است و شخصیتی حساس و شکننده دارد و بدلیل اضطراب‌های اجتماعی دچار مصرف مواد مخدر، الکل و... میشود؛ بنابراین با وجود توانمندی‌های فراوان، از فعالیتهای اجتماعی بازمانده است: «روبرت رو که به پایه پل تکیه داده بود نشونم داد، گفت کی فکر میکرد این قد و بالا یه روز گوشه‌ی یه خرابه سنگکوب کنه؟ گفتم تو دیگه چرا این حرف را میزنی الکلی؟ گفت توفیر یک الکلی با یه هروئینی مثل فرق بین موش و فیله وقتی جفتی را میذارن جزو پستانداران» (همان: ۵۱). این گفتگو بین استلا و پاتیل شکل گرفته است. آنها درباره‌ی روبرت (برادر مارتا) که اکنون در قید حیات نیست حرف می‌زنند. پاتیل دارای تیپ شخصیتی موفقیت‌طلب است ولی در حالت ناسالم این تیپ قرار دارد و گمراه‌کننده و غیرصریح است. از اعتیادهای او استفاده بیش از اندازه از قهوه و مشروبات الکلی است.

### نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی شخصیت‌های مجموعه داستان «حوالی کافه شوکا» بر اساس تیپ‌های سه و چهار شخصیتی انیاگرام نشان می‌دهد نویسنده در این مجموعه داستان به برخی ویژگی‌های اخلاقی و خصوصیات این تیپ‌ها بیشتر پرداخته است. در تیپ شماره سه ویژگی‌هایی مانند روان‌رنجوری، اعتماد به دروغ‌گویی، سازش‌پذیری (مارتا)؛ خیالبافی، برون‌ریزی و توجه‌طلبی، خودشیفتگی (فالگیر) بیش از سایر ویژگی‌های این تیپ در شخصیت‌ها نمایانگر شده است. شخصیت‌های مارتا و فالگیر را میتوان نماد این ویژگی‌ها دانست. البته قهوه‌چی نیز در ویژگی خودشیفتگی با فالگیر اشتراک دارد.

در تیپ شماره چهار نیز ویژگی‌هایی مانند احساساتی بودن، افکار بیمارگونه و نومیدانه داشتن، انتقام‌جویی و درون‌گرایی (استلا)؛ افسردگی، خودانزوایی و شدیداً عاطفی بودن (الماس) بیش از سایر ویژگی‌های این تیپ در شخصیت‌ها نمایانگر شده است. الماس و استلا در ویژگی «درون‌گرایی» با یکدیگر اشتراک دارند. روبرت نیز اعتیاد به مصرف مواد مخدر و مسکر دارد که از ویژگی‌های تیپ چهار است.

پورمقدم با هنر خود بین ویژگی‌های شخصیت‌ها و فضای شکلگیری داستان رابطه نزدیکی را به وجود آورده از این لحاظ که با استفاده از ساختن محیطی مناسب با ویژگی‌های فکری توانسته است با چیره‌دستی تمام، افکار آنها را در بافت داستان برجسته کند. در مجموع، بیشتر شخصیت‌های داستان‌ها افرادی تنها، منزوی، افسرده، بیمار، دارای پریشانی‌های ذهنی و تألم روحی - روانی هستند که محیط، عامل محرک بسیاری از اعمال آنهاست. شخصیت‌های داستانی پورمقدم نماینده افکار، عمل، رفتار و گفتار جامعه نویسنده خود هستند؛ افکاری که نشأت گرفته از نسبت او با فرهنگ جنوب و آداب و رسوم جامعه و مردمی است که او با بازتولید گوی‌شها به افشای افکار آنها پرداخته است.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز استخراج شده است. آقای دکتر کامران پاشایی فخری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مریم علیزاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر پروانه عادل‌زاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل

فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهدهٔ نویسندهٔ مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیهٔ موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

## REFERENCES

- Anthropology and Culture website. (2016). May 16, conversation with Yar Ali Pourmoghadam at Shuka Cafe, <https://anthropologyandculture.com>
- Braheni, Reza. (1983). Storytelling, third edition, Tehran: New Publishing.
- Mandanipour, Shahriyar. (2010). Shahrazad's ghosts, second edition, Tehran: Qoqnoos.
- Mirsadeghi, Jamal. (2003). Fiction. fourth edition. Tehran: Sokhan.
- Pourmoghadam, Yar Ali. (2004). Havalı kafe Shuka. Tehran: Ney Publishing.
- Riso, Don Richard, and Hudson, Ross. (2012). The Enneagram, a window to beyond personality, translated by Vajiyallah Golnawaz and Masoud Hosseinchari, Tehran: Ketab Arjamand.
- Riso, Don Richard, and Hudson, Ross. (2015). Types of personality based on the Enneagram. Translated by Iraj Saberi and Shirin Jazayeri. Tehran: Ketab Arjamand.
- Riso, Don Richard, and Hudson, Ross. (2016). Enneagram wisdom. Translated by Vajiyolah Golnawaz and Masoud Hosseinchari. Tehran: Ketab Arjamand.
- Yonsei, Ibrahim. (1990). The art of story writing, Tehran: Negah.

## فهرست منابع فارسی

- براهنی، رضا. (۱۳۶۲). قصه‌نویسی، چاپ سوم، تهران: نشر نو.
- پورمقدم، یارعلی. (۱۳۸۳). حوالی کافه شوکا. تهران: نشر نی.
- ریسو، دان ریچارد، و هادسون، راس. (۱۳۹۲). اینیاگرام دریچه‌ای به فراسوی شخصیت، ترجمهٔ وجیه‌الله گلنواز و مسعود حسین‌چاری، تهران: کتاب ارجمند.
- ریسو، دان ریچارد، و هادسون، راس. (۱۳۹۵). انواع شخصیت بر اساس اینیاگرام. ترجمهٔ ایرج صابری و شیرین جزایری. تهران: کتاب ارجمند.
- ریسو، دان ریچارد، و هادسون، راس. (۱۳۹۶). حکمت اینیاگرام. ترجمهٔ وجیه‌الله گلنواز و مسعود حسین‌چاری. تهران: کتاب ارجمند.
- مندی‌پور، شهریار. (۱۳۸۹). ارواح شهرزاد، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۲). ادبیات داستانی. چاپ چهارم. تهران: سخن.

وبسایت انسانشناسی و فرهنگ (۱۳۹۶) ۱۶ اردیبهشت، گفتگو با یارعلی پورمقدم در کافه شوکا،

<https://anthropologyandculture.com>

یونسی، ابراهیم. (۱۳۶۹). هنر داستان‌نویسی، تهران: نگاه.

#### معرفی نویسندگان

**مریم علیزاده:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: [maryamalizadeh1250@gmail.com](mailto:maryamalizadeh1250@gmail.com))

(ORCID: 0009-0006-5700-6712)

**کامران پاشایی فخری:** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: [pashaei@iau.ac.ir](mailto:pashaei@iau.ac.ir): نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-4140-6333)

**پروانه عادل‌زاده:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: [adelzade@iaut.ir](mailto:adelzade@iaut.ir))

(ORCID: 0009-0002-9425-1056)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Maryam Alizadeh:** Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: [maryamalizadeh1250@gmail.com](mailto:maryamalizadeh1250@gmail.com))

(ORCID: 0009-0006-5700-6712)

**Kamran Pashei Fakhri:** Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: [pashaei@iau.ac.ir](mailto:pashaei@iau.ac.ir): Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-4140-6333)

**Parvaneh Adelzadeh:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: [adelzade@iaut.ir](mailto:adelzade@iaut.ir))

(ORCID: 0009-0002-9425-1056)